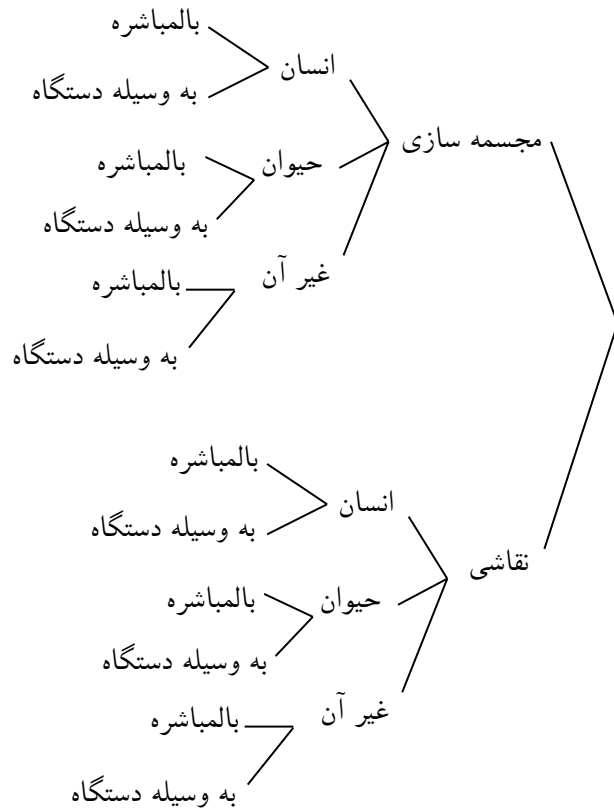


نکته چهارم: تصویر به چند قسم تقسیم می‌شود:



درس خارج نشاء استاد پیر حسن نمین

علاوه بر این تقسیم، نوعی دیگر از اقسام هم در این حوزه مطرح شده است:

«و هنا بعض أقسام للتصوير ينبغى الالتفات إليها و استخراج أحكامها:

- ۱- النقش بنحو الحکّ فی الفلزّ أو الخشب، أو بنحو إحداث خطوط لها أطلال، فهل هما بحکم المجسم أو المنقوش أو يفصل بينهما؟
- ۲- رسم خطوط كثيرة متوازية و متقاطعة و منكسرة على الأوراق أو الثياب بقصد التزيين بنحو ربما يتراءى للنظار شبهها بصورة إنسان أو حيوان خاصّ أو شجر خاصّ و إن لم يقصد الفاعل ذلك.
- ۳- إيجاد صورة ناقصة للحيوان أو غيره بنحو التجسيم أو النقش كهيئة إنسان جالس مثلا أو أسد نائم و نحو ذلك، أو إيجاد صورة بعض أجزاء الحيوان مثلا كراسه أو يديه و نحو ذلك.
- ۴- التصوير الخيالي للجنّ أو الملك أو بعض الموجودات الخيالية التي لا واقعية لها كالغول مثلا.
- ۵- التصوير بالوسائل الحديثة الرائجة المسمّى بالفارسية بالعكس، و نحوه الصور الموجودة في الأفلام.
- ۶- التصويرات الكاريكاتورية الرائجة.
- ۷- التصويرات الكارتونية الدارجة.



۸- صنع جسم خاصّ لأغراض عقلائیة فيه شبه خاصّ بجسم الإنسان أو حیوان خاصّ كما تعارف فی عصرنا و یسمی بالروبات، و أمثال هذه الأمور ممّا یحتمل صنعها. فهل الحكم بحرمة التصوير علی القول بها یشمل هذه الأمور أم لا؟<sup>۱</sup>

پس از بیان مقدمات فوق به کلام شیخ انصاری می‌پردازیم:

مرحوم شیخ انصاری در این باره می‌نویسد:

«تصویر صور ذوات الأرواح حرام إذا كانت الصورة مجسّمة بلا خلاف فتوی و نصّاً. و کذا مع عدم التجسّم، وفاقاً لظاهر النهایة و صریح السرائر و المحکمی عن حواشی الشهد و المیسّیة و المسالك و إیضاح النافع و الکفاية و مجمع البرهان و غیرهم؛ للروایات المستفیضة.»<sup>۲</sup>

توضیح:

۱. ساختن مجسمه ذوات روح حرام است هم در فتوای فقهاء و هم در روایات.

۲. گروهی از فقهاء هم نقاشی ذوات روح را حرام دانسته‌اند.

حضرت امام در این باره می‌نویسند:

الظاهر عدم الخلاف و الإشکال فی حرمة التصوير فی الجملة. و عن بعض أنّ فی المسألة أقوالاً أربعة: حرمة التصوير مطلقاً من جهة التجسیم و غیره و ذوات الأرواح و غیرها، و التخصیص بالمجسّمة و التعمیم من الجهة الثانية، و التخصیص بذوات الأرواح و التعمیم من الجهة الأولى، و التخصیص من الجهتين فیکون المحرّم عمل ذوات الأرواح المجسّمات.

و الأقوی هو الأخير، و هو المتیقّن من معقد الإجماع المحکمی. و تدلّ علیه مضافاً إلیه الأخبار الآتیة. و أمّا سائر الصور فلا دلیل علی حرمتها، فإنّ الأخبار علی کثرتها تدور مدار عنوانین هما التصوير و التمثیل باختلاف التعابیر إلّا رواية النواهی المذكور فیها النقش.

و لا یبعد أن یشکل الظاهر من تمثال الشیء و صورته بقول مطلق هو المشابه له فی الهيئة مطلقاً ای من جمیع الجوانب لا من جانب واحد. و تمثال الوجه أو مقادیم البدن تمثاله بوجه لا مطلقاً، كما أنّ تمثال خلفه

۱. دراسات فی مکاسب المحرمة، ج ۲، ص ۵۴۷.

۲. کتاب مکاسب (للشیخ الأنصاری، ط - الحدیثة)، ج ۱، ص ۱۸۳.



کذلك. و إطلاق التمثال على تمثال الوجه أو المقادير بنحو من المسامحة كإطلاقه على تمثال الخلف، و إن صار في الأولين شائعاً حتى على خصوص الوجه مع عدم كونه حقيقياً بلا إشكال. و أمّا الصورة فهي بمعنى الشكل الذي هو الهيئة، و هيئة الشيء - كتمثاله - ما يكون شبهه في جميع الجوانب. و إطلاقه على النقوش و التصاویر بنحو من المسامحة، و لذا يطلق على تمثال الوجه فقط.<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. ظاهراً حرمت تصویر فی الجمله مسلم است.
۲. برخی [جامع المقاصد و حدائق] در مسئله به ۴ قول اشاره کرده‌اند:  
الف) تصویر مطلقاً حرام است چه مجسمه سازی و چه غیر مجسمه سازی و چه ذوات ارواح و غیر آن. [علامه در مختلف این قول را به ابن براج و ابی الصلاح حلبی نسبت داده است.<sup>۲</sup>]  
ب) مجسمه سازی حرام است چه ذوات ارواح و چه غیر آن ولی غیر مجسمه سازی حرام نیست. [شیخ طوسی؛ شیخ مفید و سلار]  
ج) مجسمه سازی و نقاشی ذوات ارواح حرام است ولی در غیر ذوات ارواح مطلقاً جایز است. [ابن ادریس؛ علامه]  
د) فقط مجسمه سازی ذوات ارواح حرام است.  
ه) گفته شده است که شیخ طوسی اصلاً به حرمت قائل نیست بلکه به کراهت قائل است.<sup>۳</sup>
۳. قول چهارم قوی تر است و همین قدر متیقن اجماعات است.
۴. حرمت صورت‌های دیگر، دلیل ندارد.
۵. چراکه در همه روایات، دو عنوان مطرح شده است: تمثیل و تصویر (با تعابیر مختلف) و تنها یک روایت در آن «نقش» مطرح شده است.
۶. ظاهر عنوان تمثال و صورت (وقتی به صورت مطلق به کار برده می‌شود) به معنای چیزی است که در همه جهات شبیه یک شیء است [پس باید مجسمه باشد که هم رویش شبیه روی شیء باشد و هم پشت

۱. المكاسب المحرمة (للإمام الخميني)، ج ۱، ص ۲۵۵.

۲. مختلف، ج ۱، ص ۳۴۱.

۳. دراسات، ج ۲، ص ۵۴۸.



آن شبیه پشت شیء باشد.]

۷. لذا تمثال صورت [و مقادیم ج: مقدم = جلوی بدن] به طور مطلق آدمی نیست بلکه فی الجمله تمثال آدمی

است. و لذا اگر به تمثال صورت می‌گویند تمثال آدمی، استعمال مجازی است. (اگرچه شایع است)

۸. صورت هم به معنای شکل است (یعنی هیأت) و هیأت یک شیء یعنی آنچه از همه جوانب شبیه شیء

است. و لذا اگر به نقاشی و عکس تصویر می‌گویند، نوعی مسامحه در آن وجود دارد. (و لذا فقط به

تصویری که از صورت آدمی برداشته شده «تصویر آدمی» می‌گویند و به عکس دست نمی‌گویند «تصویر

آدم» [پس معلوم می‌شود که تصویر آدم حقیقه، آن تصویری است که از همه جوانب آدمی حکایت کند

و مجازاً به عکس صورت می‌گویند عکس آدمی. علاقه مجاز هم آن است که صورت به عنوان جزء

رئیس «تمام انسان» تلقی می‌کنند. و این علاقه در «عکس دست و پا» نیست.]

حضرت امام سپس به اشکالی متوجه می‌شود «به این بیان که اگر بگویند در روایات به نقشی که روی پشتی

قرار داشته، تصویر گفته شده و این اطلاق و استعمال شیوع داشته است پس معلوم می‌شود، مراد از تصویر، هر

گونه نقش است.» و لذا از آن جواب می‌دهند:

«و الإطلاق الشائع على النقش و الرسم فى الروایات - على فرض تسليمه و عدم دعوى أن الوسائد و

غيرها ممّا وردت فيها الروایات لعلها كانت الصور و التماثل فيها بنحو التجسيم كهیئة غزال مثلا نائم أو

قائم بحيث كان صدق عليه الغزال المجسم - كان لأجل القرائن، و لهذا لو سئل عن العرف أن هذه الصورة

أو المثل صورته من جميع الوجوه لأجاب بالنفى، و لا أقل من كون الصدق الحقیقی محلا للشك، سیما مع

الشواهد المذكورة فى الجواهر و غيره، و شواهد أخر تأتي الإشارة إلى بعضها.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. جواب می‌دهیم: اولاً ممکن است صورت آهو که در پشتی‌ها بوده به صورت مجسمه بوده است (مثلاً کلّ

پشتی، یک آهو ایستاده بوده است.) ثانیاً: اگر چنین نبوده و تنها یک نقاشی بوده است، در این جا استعمال

لفظ صورت برای این نقاشی مجازی بوده است و قرینه‌ای در میان بوده است.

۲. و لذا اگر از عرف بیرسیم آیا این صورت، تصویر این شیء از همه جوانب است؟ جواب منفی می-

دهند (صحّت سلب)

۱. المكاسب المحرمة (للإمام الخمينی)، ج ۱، ص ۲۵۶.\*



۳. و لا اقل می توانیم بگوئیم حقیقت بودن استعمال تمثال و صورت در نقاشی محل شک است.

اشکال بر امام خمینی:

حضرت امام خمینی چنانکه خواندیم تمثال و صورت را به معنای مجسمه می گرفتند، در مقابل مرحوم ایروانی صورت را اعم از تمثال گرفته اند و می نویسند:

«أما ما اشتمل من الأخبار على لفظ المثل و التمثال فالظاهر منها هي المجسمة فإنّ ظاهر لفظ المثل هو هذا إذ المثل الحقيقي ما كان مثالا للشيء من كلّ الجهات و الجوانب لا ما كان مثالا له من جانب واحد و هذا لا يكون إلّا في المجسمة فإنّ فيها يفرض مثال الجهات الست فكانت الصورة أعمّ من المثل نعم قد يطلق المثل على الصورة و قد أطلق في الأخبار أيضا لكن الكلام فعلا فيما هو ظاهر لفظه مع التجرد عن القرينة و يشهد للمغايرة التعبير في بعض الأخبار بتصوير التماثيل أو رجل صور تماثيل و يشهد له أيضا عدة من الأخبار منها خبر عليّ بن جعفر سألت أخى موسى ع عن مسجد يكون فيه تصاویر و تماثيل **يصلی** فيه فقال تكسر رؤوس التماثيل و تلتطخ رؤوس التّصاویر و تصلی فيه و لا بأس.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. مثال و تمثال به معنای مجسمه است چراکه مثال شی یعنی آنچه از همه جهات شبیه شی است.
  ۲. اما صورت اعم از مثال است، اگرچه گاه به صورت مثال گفته می شود.
  ۳. شاهد اینکه تصویر و تمثال با هم فرق دارد اینکه:
  ۴. اول: گفته می شود تصویر تماثيل یا صور تماثيل
- دوم: روایت محمد بن جعفر (لطخ = آلوده کردن) که تمثال را در مقابل تصویر گرفته است و اولی را به معنای مجسمه و دومی را به معنای نقاشی گرفته است.
- بر مرحوم ایروانی اشکال شده است:

«ظاهر ما ذكره من رواية عليّ بن جعفر تغاير التصوير و التمثال مفهوما و صدقا، و أما ما ذكره من التعبير بتصوير التماثيل أو رجل صور تماثيل فلا يدلّان على ذلك إذ لعلّ المراد منهما تمثيل التماثيل أو رجل مثل تماثيل، و التعبير بالتصوير من قبيل التفنّن في التعبير و اللفظ، و هو أمر شائع في المحاورات.»<sup>۲</sup>

۱. حاشية المكاسب (للایروانی)، ج ۱، ص ۲۰.

۲. دراسات في المكاسب المحرمة، ج ۲، ص ۵۵۲.